



تربیت فرزند در خانواده از منظر سیره

امام رضا (علیه السلام)

دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۵ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۴

رابعه هراتی^۱، علیرضا محمودنیا^۲، اکبر صالحی^۳، سوسن کشاورز^۴

چکیده

تربیت در خانواده فراهم کننده موجبات رشد و تعالی انسان و اساس تربیت رسمی و عمومی است. از این رو هدف از انجام این پژوهش، بررسی رویکردهای تربیت فرزند در خانواده از منظر سیره امام رضا (علیه السلام) است. مقاله حاضر به روش توصیفی تحلیلی، با هدف درکی دقیق از احادیث و روایات و سیره امام رضا (علیه السلام) درباره تربیت فرزند در خانواده انجام شده است. به این منظور از احادیث، روایات و تئوری‌هایی که دلالت‌ها و اشارات مستقیم به بحث تربیت فرزند در خانواده داشته و به صورت ضمنی و تلویحی مرتبط با سیره نظری و عملی امام رضا (علیه السلام) بوده، استفاده شده است. در سه رویکرد تربیت دینی، اجتماعی و علمی برخی از مقوله‌های به دست آمده عبارتند از: پرورش هویت اجتماعی، گفت‌وگو، پرورش حس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه و طبیعت و پرورش تفکر انتقادی. تجزیه و تحلیل امور با معیارهای صحیح و پیوستگی علم و عمل، یکی از شاخصه‌های تفکر انتقادی است. پیشنهاد این پژوهش، تدوین سندی معطوف به تربیت فرزند در خانواده از دیدگاه اسلام است. این سند برای خانواده قابلیت اجرایی و دولت نقش نظارتی و حمایتی دارد.

کلیدواژه‌ها: تربیت، رویکردهای تربیتی، خانواده، سیره امام رضا (علیه السلام)

۱. دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛ مربی فرهنگیان مشهد: ra_harati@yahoo.com
۲. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): alirezamahmudnia@yahoo.com
۳. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: salehihidji2@yahoo.com
۴. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: ss.keshavarz@yahoo.com

مقدمه

تربیت فرزند در خانواده از دو منظر قابل بیان است؛ اول خانواده که رکن اساسی تربیت است و فرد در دوران اولیه زندگی خود که شخصیت او در حال شکل‌گیری است، به صورت غیررسمی از خانواده بیشترین تأثیر را می‌پذیرد. دوم اینکه زمانی که فرد وارد نهادهای تربیتی مانند مدرسه می‌شود، باز هم خانواده در تربیت او نقش دارد و کامل‌کننده تربیت مدرسه‌ای اوست. پیشرفت جامعه در گرو سرمایه‌گذاری در تربیت و به ویژه تربیت در دوره‌های آغازین زندگی است؛ زیرا بسیاری از مشکلات فرهنگی جامعه، زمینه‌ساز مشکلات اقتصادی و بهداشتی و سیاسی است. برای نمونه کسی که نحوه استفاده صحیح از آب یا برق را نداند، فرهنگ ارتباط صحیح با طبیعت را ندارد و کسی که فرهنگ استفاده صحیح از تکنولوژی را نداشته باشد، چنین فردی زمینه‌ساز مشکلاتی در جامعه خواهد شد. از سوی دیگر، متخصصان تعلیم و تربیت ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری را در دوران کودکی فرد و در بستر خانواده جست‌وجوی کنند. در اکثر مواقع، بحران‌های اجتماعی تابعی از بحران‌های تربیت خانوادگی است. در حالی که پارادایم پیچیدگی، جهان هستی را پیچیده، شبکه‌ای، بی‌پایان، پویا و در حال تغییر و تحول مستمر می‌داند، مبانی هستی‌شناختی یک پارادایم علمی نیز تأثیر مهمی بر تدوین نظریه‌ها در حیطه آن پارادایم دارد. در این پارادایم پیچیدگی، از یک سو نیازمند شناسایی مؤلفه‌های هستی‌شناختی این پارادایم و از سوی دیگر، مستلزم تلقی نظام تعلیم و تربیت به مثابه نظامی پیچیده هستیم. خانواده به مثابه یک سیستم پیچیده، علاوه بر روابط درون سیستمی، دارای روابط برون سیستمی با محیط خود و نظام‌های دیگر، مانند نهادهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است. علاوه بر این روابط که می‌توان آن را با عنوان «کنشگران انسانی»، یعنی روابطی از نوع انسان-انسان، گنجانند، نظام پیچیده تربیت حاوی روابطی از نوع دیگر و با کنشگران نامتجانس، مانند روابطی از نوع انسان-اشیا یا روابطی از نوع اشیا-اشیا نیز است. گفتنی است منظور از رابطه انسان-اشیا، رابطه میان فرد با وسایل الکترونیک، مانند رایانه شخصی و سایر وسایل دیجیتال است و رابطه اشیا-اشیا همچون رابطه رایانه‌ها در ایجاد فضای مجازی و اینترنت است. در این پیچیدگی، خانواده و به ویژه والدین، به دانش و بینش لازم درباره چگونگی تربیت نیاز دارند.

تربیت صحیح در خانواده گامی مؤثر در اصلاح نابسامانی‌های جامعه است و موجبات رشد و تعالی انسان‌ها را فراهم می‌کند. برای حل مسائل تربیت در خانواده، ورود به حوزه شناختی در مباحث تربیتی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا در دنیای مدرن با پیچیدگی‌های روزافزون، توانایی برای اصلاح جامعه، منوط به تعلیم و تربیت صحیح در خانواده خواهد بود و هرگونه رفتار انفعالی خانواده در این زمینه، افراد خانواده و به ویژه کودکان و نوجوانان را به سوی ضلالت و گمراهی سوق می‌دهد. در نظام تربیت اسلامی، خانواده محلی مناسب برای عرضه بایدها و نبایدهای مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و ملی محسوب می‌شود. این ارزش‌ها ملهم از آموزه‌های قرآن کریم و برگرفته از نقش معنوی، اسوه‌ای، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) است. از جمله سیره امام رضا (علیه السلام) در خانواده و تربیت فرزند، جلوه‌ای از تحقق مراتب حیات طیبه و زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت انسانی است.

«در الگوی هدف‌گذاری برنامه‌درسی و تربیتی ملی، ساحت‌های تربیت در چهار عرصه رابطه با خویشتن، رابطه با خداوند متعال، رابطه با خلق خدا و سایر انسان‌ها و رابطه با خلقت و طبیعت به صورت به هم پیوسته و با محوریت رابطه با خدا تبیین شده است» (برنامه‌درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱: ۱۵). از یک منظر «فرد دارای هویت انسانی می‌تواند در جریان هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با انسان‌های دیگر که از فرهنگ‌ها، ملل و اقوام و نژادهای دیگرند، تعاملی مثبت نشان دهد و در ایجاد بستر مساعد برای حیات عالی بشری بکوشد. توجه به این جنبه از هویت، امکان توسعه و تعالی ارزش‌های عالی معنوی انسانی را که مورد تأیید اسلام نیز هست، فراهم می‌آورد» (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، ۱۳۹۰: ۲۶۸). از طرفی رابطه انسان با خویشتن، خداوند و طبیعت و به نوعی تمام تعاملات انسانی در زندگی فرد نقش اساسی دارد که در تربیت باید به این نکته توجه شود.

این پژوهش قصد دارد بحث تربیت فرزند را در خانواده از منظر سیره امام رضا (علیه السلام) بررسی کند، بلکه بتواند استراتژی مشخص و روشنی برای تربیت صحیح فرزند در خانواده اتخاذ کند و پاسخگوی نیاز عاملان تربیت قرار گیرد.

تعاریف

خانواده و تربیت

خانواده به کوچک‌ترین واحد اجتماعی اطلاق می‌شود که شامل پدر، مادر و فرزندان آن‌هاست (عمید، ۱۳۴۳: ۵۱۹). «اسلام خانواده را گروهی می‌داند متشکل از دورکن اصلی زن و مرد که در سایه ضابطه‌ای مشروع و الهی در کنار یکدیگر قرار گرفته و بر اثر آن پیوند، دارای شخصیت اجتماعی، حقوقی، معنوی و مدنی شده‌اند. اساس روابط انسان را نکاح تشکیل می‌دهد^۱ و نکاح، عقد یا پیمانی است که بر اساس آن رابطه زوجیت مشروع می‌شود» (قائمی امیری، ۱۳۹۱: ۸). برخی تعریف‌های ارائه‌شده از سوی صاحب‌نظران علوم اجتماعی به شرح زیر است:

لوی^۲: «خانواده، واحدی اجتماعی است که بر اساس ازدواج پدید می‌آید» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۵۵). دیویس^۳: «خانواده از گروهی از اشخاص تشکیل می‌شود که روابطشان با یکدیگر بر پایه خویشاوندی هم‌خونی استوار است» مک آیور^۴: «خانواده گروهی است دارای روابط جنسی چنان‌پایا و مشخص که به تولید مثل و پرورش فرزندان منتهی شود» (همان). مورداک^۵: «خانواده گروهی اجتماعی است با اقامتگاه مشترک، همکاری اقتصادی و تولید مثل» (بستان و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۷).

شکل‌گیری و بنا نهادن خانواده در چشم‌انداز اسلامی علمی و با رویکرد اجتماعی، روان‌شناختی، تربیتی و فرهنگی پیامدهای مثبت فراوان دارد. بشر در گستره تاریخ زندگی به خوبی دریافت که خانواده، بهترین مأمّن و شایسته‌ترین کانون برای تبلور سکون، اطمینان و تحول اوست (پناهی، ۱۳۹۸: ۴۳). در قرآن، خانواده نخستین کانون رشد و آرامش بشری است که مراقبت از آن مسئولیتی سنگین به شمار آمده است. در فرهنگ

۱. به‌گفته‌ی راغب اصفهانی در مفردات القرآن، نکاح در اصل برای عقد است و در اصطلاح، به‌معنی روابط همسری است.

2. R.H.Lowie
3. K.Davis
4. Mac Iver
5. G.Murdock

اسلامی، اولویت و تقدم خانواده یک اصل به حساب می‌آید و روایات فراوانی بر آن دلالت دارند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۳۶). رسول خدا ﷺ فرمود: «هرگاه خدا به یکی از شما خیری عطا کرد، ابتدا خود و خانواده اش را از آن بهره‌مند سازد»^۱ (سیوطی، ۱۴۲۹ق: ۷۳). همچنین آن حضرت فرمود: در نزد خدای بلندمرتبه هیچ چیز محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که با زمینه‌های اسلامی از طریق ازدواج آباد گردد (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۰).

در قرآن آمده است: «و از نشانه‌های او آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما و همسرانتان علاقه شدید و رحمت قرار داد؛ بی شک در این (نعمت الهی) برای گروهی که می‌اندیشند نشانه‌های قطعی است»^۲ (قرآنی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۱۸۸). از نظر قرآن، سرپرست خانواده، نسبت به اعضای خانواده مسئولیت دارد. در قرآن تاکید شده است که «ای مؤمنان! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ نگه دارید»^۳. امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به این سؤال که چگونه زن و فرزند خود را از آتش حفظ کنیم؟ فرمود: آن‌ها را بدان چه خدا امر و نهی کرده، امر و نهی کن. اگر اطاعت کردند، تو ایشان را حفظ کرده‌ای و اگر تو را فرمانبرداری نکردند، آنان گناهکارند و تو آن‌چه را برعهده داشتی انجام داده‌ای (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۷: ۲). فرزندان امانت الهی و نعمت و نشانه‌های خدا هستند^۴ و والدین درباره سلامت، رشد، تعلیم و تربیت آنان مسئول‌اند^۵ و در برابر تربیت خوب پاداش^۶ و در برابر تربیت بد آنان کیفر خواهند دید.^۷

از تربیت تعاریف متعددی شده است. هر یک از اندیشمندان بر بعدی از تربیت توجه نموده‌اند. برای نمونه «فارابی بر تربیت عقلی تاکید زیادی دارد و به تبعیت از ارسطو هدف تربیت را رسیدن به اعتدال می‌داند. در نظر ابوعلی سینا انسان موجودی مدنی بالطبع

۱. «قال إذا أعطى الله أحدكم خيراً فليبدئه بنفسه و أهل بيته».
 ۲. «و من آياته أن خلق لكم من أنفسكم أزواجا لتسكنوا إليها و جعل بينكم مودة و رحمة إن في ذلك لآيات لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم، ۲۱).
 ۳. «يا ايها الذين آمنوا قوا أنفسكم و اهليكم نارا» (تحریم، ۶).
 ۴. «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْوَابِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً» (نحل، ۷۲).
 ۵. «أَمَدِّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ» (شعراء، ۱۳۳).
 ۶. «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالتَّوَكُّاتِ وَكَانَ عَبْدًا لِرَبِّهِ مُؤْتِيًا» (مریم، ۵۵).
 ۷. «إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (شوری، ۴۵).

است و در تربیت باید به تفاوت‌های فرد توجه کرد. از نظر غزالی انسان مرکب از تن و روان است و کودک امانتی در اختیار والدین است و تربیت و پرورش او از ابتدای ولادت بسیار مهم است» (جاهد، ۱۳۸۷: ۱۲۶). تعریفی از تربیت که در این پژوهش مد نظر است، عبارت است از: «فرایندی تعالی جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیارهای اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می‌آورد» (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۱۰).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در تعالیم اسلامی بر ارزش تربیت فرزند در خانواده تأکید شده است. امام رضا (علیه السلام) داشتن فرزند شایسته را از نشانه‌های سعادت‌مندی دانسته و فرموده‌اند: اگر خدای تبارک و تعالی برای بنده‌ای خیری مقرر بفرماید، به او فرزندی شایسته و نیکوکار عنایت می‌نماید (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۱۹). رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «به راستی اگر یکی از شما فرزند خود را تربیت و ادب کند، برای او بهتر است از تصدق هر روز به نصف صاع»^۱ (همان: ۲۲۲) و این روایت بیانگر اهمیت تربیت در آن زمان است. حضرت علی (علیه السلام) نیز فرمود: «بخشش و هدیه هیچ پدری به فرزندش بهتر از ادب و تربیت پسندیده نیست»^۲ (همان). پدر و مادر وسیله طبیعی برای به وجود آمدن و رشد و تربیت تکوینی فرزند و در حقیقت آنان رب ظاهری فرزند هستند که خداوند متعال با نیرو و فعالیت آنان فرزند را به وجود آورده است و اگر از نظر تربیت روحی و معنوی نیز فعالیت و نیرو صرف کنند، از دو جهت ظاهری و معنوی حق پیدا می‌کنند. پس پدر و مادر در طریق خالقیت و ربوبیت الهی قرار گرفته و مظهر این دو صفت پروردگار متعال نسبت به اولادند؛ از این رو تجلیل و حفظ حرمت و اطاعت و خدمت و موافقت آنان، هم از نظر الهی و هم از نظر طبیعی لازم است. البته پدر و مادر نیز

۱. «لَأَنْ يُؤَدَّبَ أَحَدَكُمْ وَلَدُهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِنِصْفِ صَاعٍ كُلِّ يَوْمٍ».

۲. «مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدًا نُحْلًا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ».

باید برنامه خودشان را در مسیر تربیت و تعلیم فرزند، با برنامه دینی و الهی وفق بدهند و فرزند را از خلاف و عصیان و دنیاپرستی و تعلقات مادی، به سوی اطاعت و بندگی پروردگار متعال سوق بدهند تا بدین طریق شک و تردید و اضطراب خاطر در دل‌های اولادشان به اطمینان و یقین تبدیل شود (منسوب به جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام)، ۱۳۶۰: ۳۱۲).

امام سجاد (علیه السلام) نیز یکی از انسان‌های شاخصی است که حقوق مبتنی بر کرامت انسانی را مطرح کرده است. در رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)، حقوق افراد خانواده، خداوند، اعضای بدن، نفس انسانی و اعضای جامعه بیان شده است. امام سجاد (علیه السلام) درباره حق فرزند فرموده است:

و اما حق فرزند تو این است که بدانی او از توست و در پسند و ناپسند دنیای زودگذر، دنباله‌روی توست و به‌درستی که تو در تربیت نیکو و راهنمایی به‌سوی پروردگارش و یاری‌رسانی او در فرمان‌پذیری از خداوند نسبت به خویشتن و حق فرزندت پرسیده خواهی شد. پس [اگر وظایف‌ات را به انجام رسانی] پاداش‌گیری و چون [کم‌کاری کنی] بازخواست شوی. پس کار فرزندت را چونان کسی که کارش را در این سرای زودگذر با نیکو ثمری بیاراید، انجام بده و در روابط بین تو و فرزندت به سبب نگهداری خوب و ثمر الهی که از او گرفته‌ای، نزد پروردگار، عذرت پذیرفته شده باشد^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶: ۲۶۹). از دیگر مواردی که امامان معصوم (علیهم السلام) بر آن تاکید داشته‌اند آغاز تربیت کودک است که از زمان انتخاب همسر آغاز می‌گردد. امام رضا (علیه السلام) هنگام تولد فرزندش حضرت جواد (علیه السلام) در مدح و ستایش همسر خود فرمود: «مقدس است مادری که او را به دنیا آورد و پاک و طاهر خلق شده است»^۲ (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۱۶). و در حدیثی دیگر فرمود: «از تزویج دختر خود به شارب الخمر اجتناب کن، که اگر به او زن دهی چنان است که دلال زنا شده باشی»^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۹، ۱۴۲): زیرا بر اثر قانون توارث، ویژگی‌های اخلاقی

۱. «وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُصَافِّ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَ لَيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُنَابَّ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَافَبٌ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلِ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ آثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعَدَّرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.»

۲. «قَدَسَتْ أُمُّ وَلَدَتِهِ فَلَقَدْ خَلَقْتَ طَاهِرَةً مَطْهَرَةً»

۳. «إِيَّاكَ أَنْ تُزَوِّجَ شَارِبَ الْخَمْرِ ، فَإِنْ زَوَّجْتَهُ فَكَأَنَّمَا قَدَّتْ إِلَى الزُّنَا.»

و روانی پدر و مادر در سرشت کودک موثر است.

در رساله امام سجاد (علیه السلام)، یکی از شروط بسیار مهم و اساسی تعالی برای کودکان و بزرگسالان، آزادی محیط زندگی است. در محیطی که زورگویی وجود دارد و در محیط مرگبار استبداد، قطعاً امید به تعالی وجود ندارد؛ چراکه محیط آرام و آزاد، موجب شکفتگی استعدادها می‌شود؛ لذا در مکتب تربیتی اسلام تا آن جا که امکان دارد، مربی از زور استفاده نمی‌کند (حیدری نراقی، ۱۳۸۶: ۵۳۵).

در اندیشه صاحب‌نظران غربی نیز سخنان بسیاری درباره تربیت دیده می‌شود. روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸ م) که اندیشه‌های تربیتی خود را در کتاب‌هایی مانند امیل بیان و شیوه یک زندگی درست را برای فرزند خیالی خود ترسیم کرده است، معتقد است در زندگی پیش از آموختن هر حرفه، باید «حرفه انسان بودن» را آموخت. وی به این نکته اذعان می‌کند که می‌کوشد امیل چنان بار بیاید که بتواند در کارهای گوناگون، وظیفه خود را چون یک انسان انجام دهد، در موقعیت‌های گوناگون درست رفتار کند و بتواند رنج‌ها و خوشی‌ها را تحمل کند؛ یعنی برای زندگی کردن و خوب زندگی کردن آماده شود. تربیت آماده شدن برای زندگی است. البته خود دوره تربیت نیز دوره‌ای از زندگانی است و اهمیت خاصی دارد. از این رو، هیچ مرحله‌ای از زندگی نباید فدای مرحله‌های دیگر شود (نقیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۸)، بلکه زندگی باید بر اساس طبیعت شکل بگیرد. از نظر روسو، بهترین مربی کودک پدر اوست.

در برخی نظریه‌ها، با نظر به تعهد و التزامی که برای تربیت فرزند پیش روی خانواده قرار گرفته است، تربیت در خانواده بدون شناخت والدین از علم تربیت ممکن نیست. در برخی نظریه‌ها، یک بخش ضروری جامعه و مهد و بستر فرزندان برای رشد، خانواده است (وی جو و همکاران، ۲۰۱۷ م) و توسعه فرهنگ آموزشی والدین، یکی از راه‌های درک خانواده توسط فرزندان است و می‌تواند به آن‌ها، در تعامل با فرزندان و پرهیز از اشتباه در زمینه

1. Rousseu
2. Weiju & etc

تربیت خانوادگی کمک کند (ونرا و همکاران، ۱۶۱: ۲۰۱۶م). والدین و معلمان باید درباره عوامل مؤثر در شکل دادن سبک زندگی فرزندان آگاه باشند تا بتوانند شیوه‌های زندگی صحیح را در آن‌ها شکل دهند (تزکی و همکاران، ۱۶۲: ۲۰۱۶م).

یکی از نظراتی که در چند دهه اخیر در این زمینه مطرح شده، نظریه مینوچین است. وی خانواده را به منزله سیستم تعبیر کرد که در آن والدین، یک خرده سیستم اجرایی را تشکیل می‌دهند و مسئول فرزندان هستند. خانواده کارکردهایی از جمله اجتماعی شدن فرزندان و حمایت متقابل زوجین را دارد که از طریق خرده سیستم‌هایی با مرزهای مناسب به انجام می‌رسند. در مرزهای درهم تنیده یا بسیار انعطاف پذیر و گسسته، خانواده دچار بحران می‌شود؛ یعنی زمانی که فرزندان به استقلال نرسند یا از حمایت کافی برخوردار نشوند (دوئرتی و مک‌دانیل، ۱۳۸۹: ۲۷). به نظر مینوچین، «در جوامع امروزی، خانواده اجتماعی کردن فرزندان را به مرور زودتر رها می‌کند و راهنمایی و تربیت بچه‌های بزرگ‌تر را مدرسه، وسایل ارتباط جمعی و گروه هم‌سالان به عهده می‌گیرند؛ در صورتی که جامعه منابع برون خانگی مناسب برای اجتماعی کردن و حمایت ایجاد نکرده است» (مینوچین، ۱۳۸۱: ۷۹).

نظریه سیستم‌ها می‌گوید که رفتار انسان تحت تأثیر کسانی که با آن‌ها تعامل می‌کنیم قرار دارد و حتی به واسطه آن تنظیم می‌شود (دوئرتی و مک‌دانیل، ۱۳۸۹: ۷۹). برای مثال آزمایش «خوزه دلگادو»،^۳ به نقل از مینوچین مثال بارزی از وابسته بودن پرخاشگری به وضعیت محیطی است که پرخاشگری در آن بروز می‌کند. دلگادو میزان تحریک پرخاشگری را در چند آزمایش ثابت نگه می‌دارد و محیط را دستکاری می‌کند. تغییر محیط، تغییر در میزان بروز رفتار پرخاشگرانه را به دنبال دارد (مینوچین، ۱۳۸۱: ۱۴).

ویرجینیا ستیر (۱۳۸۸) به عنوان یک روان‌درمانگر انسان‌گرا، به ایجاد عزت نفس و خودارزشمندی و نیز خودشکوفایی در افراد خانواده باور دارد. میان افراد خانواده

1. Venera & etc
2. Tezci & etc
3. Jose M.R.Delgado.

احساساتی است که اگر این احساسات شناخته نشوند و به درون ریخته شوند، ریشه‌های رفاه خانوادگی از بین می‌رود و عزت‌نفس افراد خانواده کم می‌شود. به عقیده او، پدر و مادر باید از روابط خانوادگی آگاهی داشته باشند. وی شرط اصلی همدلی، احترام مثبت نامشروط و هماهنگی و یکپارچگی کارل راجرز را اجرا کرد. از نظر نوابی‌نژاد (۱۳۸۰)، جو عاطفی خانواده ضامن سلامت و شکوفایی فرزندان است. والدین باید فضایی آرام، متعادل و حمایت‌کننده را برای فرزندان خویش مهیا کنند. میلگرام (۱۹۹۰م) نیز همچون نوابی‌نژاد، وضعیت مناسب خانوادگی، نحوه ارتباط والدین با فرزندان، رفتار و نگرش والدین و کمیت و کیفیت علاقه‌مندی آن‌ها را در رشد توانایی‌های فرزندان مؤثر دانست.

از دیدگاه برخی صاحب‌نظران، هر قدر میان اعضای خانواده ارتباط کلامی و عاطفی بیشتر باشد، روابط اعضای آن خانواده، سالم‌تر و بانشاط‌تر و استوارتر است. «فرار از خانه» پاسخ و واکنشی بارز و گویا به ستیزه‌ها، طردها، مجادله‌ها و ترس‌هاست که به شکل اعتراض و انتقام‌جویی و ابراز خشم و نفرت در مقابل آشفتگی‌های خانوادگی و بی‌عدالتی‌های حاکم در خانواده و در جامعه بروز می‌کند (به‌پژوه، ۱۳۷۸: ۴۸-۴۹). اصولاً خانواده‌های سالم الگوهای ارتباطی خوبی دارند (شعاع‌کازمی و سیف، ۱۳۸۹: ۵۵). رابطه خوب، رابطه‌ای است که برابر باشد و در آن طرفین حقوق و وظایف برابری داشته باشند. در چنین رابطه‌ای، طرفین به یکدیگر احترام می‌گذارند و بهترین را برای هم می‌خواهند. رابطه خالص، بر ارتباط متکی است و درک نگاه طرف مقابل در آن ضرورت دارد (گیدنز، ۱۳۹۵: ۸۹). پرورش، مراقبت و تعاملات حمایت‌آمیز است که بقا و ادامه زندگی را در دنیای مرموز امروز تضمین می‌کند و آنچنان با واقعیت درهم آمیخته است که بدیهی انگاشته می‌شود (مینوچین و فیشمن، ۱۳۹۷: ۳۵۳). در پژوهشی، اندر و ایلماز (۲۰۱۲م) نشان دادند که افزایش رضایت از زندگی به دست آمده از سبک زندگی حمایتی خانواده، باعث می‌شود نوجوانان بزهکاری کمتری داشته باشند. وجود هرگونه بحران در کودکان و نوجوانان مانند سردرگمی در هویت‌یابی، بزهکاری، بیماری‌های روحی و روانی، واکنش‌های اضطراب، افسردگی، پناه‌بردن به مواد مخدر و بسیاری از ناهنجاری‌های

رفتاری در میان کودکان، زاینده تحولات و دگرگونی‌های سریع اجتماعی و حمایت‌نکردن عاطفی خانواده است و تربیت صحیح کودکان^۱ در خانواده، به عنوان یکی از مقوله‌های اساسی و بنیادین برای سعادت آن‌ها ذکر شده است.

در واقع پژوهش‌های بسیاری در زمینه تربیت فرزند از منظر امام رضا (علیه السلام) انجام شده است؛ اما تاکنون روش و رفتار امام رضا (علیه السلام) از منظر تربیت فرزند در خانواده، به صورت یک موضوع مستقل، بررسی و تحلیل نشده است و همواره این رویکردها به صورت تابعی از مباحث تربیتی امام مطرح شده است. برای مثال موسوی و دیگران (۱۳۹۷) تربیت اعتقادی را مهم‌ترین بخش از نظام تربیت دینی دانسته و روش‌هایی مانند تکرار مفروضات بدیهی، ایجاد انس و احساس محبت به خداوند، عقل‌گرایی، علم‌آموزی، استدلال محوری، پاسخ به شبهه و ابطال دیدگاه‌های رقیب را از سیره حضرت رضا (علیه السلام) استنباط کرده‌اند. شریعتی و صحرایی (۱۳۹۸) در مقاله خود به «بررسی نقش والدین در تربیت عاطفی کودک با بهره‌گیری از سیره امام رضا (علیه السلام)» پرداخته‌اند. در این مقاله، هم‌سوئی بینش‌ها، اندیشه از خود دانستن فرزند، تکریم و احترام متقابل، حسن رفتار، همدلی، خوش‌رویی، محبت، هدیه‌دادن و الگوی شایسته بودن از کارهایی است که والدین باید در تربیت عاطفی انجام دهند. واسعی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تعامل با خانواده در سنت رضوی (رویکرد تبارشناسانه)» نتیجه گرفته است که انگیزه محوری امام در استناد به کلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و پیشوایان پیشین، امام علی (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام)، علاوه بر دغدغه احیای سنت اسلامی و ترویج ارزش‌های دینی، ایجاد پشتوانه برای سخنان و اظهارنظرهای خویش است. این عاملی است که در تبلیغ و تبیین دین برای تنفیذ کلام و تسلیم مخاطب ضرورت دارد.

در این پژوهش، مقوله تربیت فرزند در خانواده از منظر سیره امام رضا (علیه السلام) بررسی می‌شود. در این راستا، پژوهش حاضر به پرسش زیر پاسخ می‌دهد.

۱. در سیره امام رضا (علیه السلام) چه رویکردهایی برای تربیت فرزند در خانواده متصور است؟

۱. از نظر کنوانسیون حقوق کودک، منظور از کودکان، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است.

روش پژوهش

رویکرد پژوهش از نوع پژوهش کیفی است. این نوع پژوهش، اطلاعات خود را با ارجاع به عقاید، ارزش‌ها و رفتارها در بستر اجتماعی دست نخورده به دست می‌آورد (محمدپور، ۱۳۹۲، ج ۱: ۹۳). پژوهش کیفی در معنای گسترده آن یک اصطلاح انسان‌مدار است و مانند زمینه‌های دیگر بررسی‌های انسانی، بر این اساس پیش می‌رود که ما به گونه فردی یا جمعی، دنیایی را که در آن زندگی می‌کنیم، خلق می‌نماییم و باید نسبت به آن احساس مسئولیت کنیم و بتوانیم آن را به گونه متمایز و متفاوتی بسازیم (هومن، ۱۳۸۵: ۱۲).

در این پژوهش، به روش توصیفی تحلیلی و با هدف بررسی رویکردهای تربیت فرزند در خانواده در سیره امام رضا (علیه السلام)، ابتدا با مروری بر مطالعات انجام‌شده در حوزه خانواده، به مبانی نظری در این خصوص پرداخته می‌شود. آن دسته از احادیث و روایات و تئوری‌ها که دلالت‌ها و اشارات مستقیم با بحث تربیت فرزند در خانواده داشته و به صورت ضمنی و تلویحی مرتبط با سیره نظری و عملی حضرت در این زمینه است، استفاده می‌گردد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها فیش‌برداری است. در ادامه، ساختار کلی مقاله بر ارائه مبانی نظری منسجم در حیطه سیره امام سازمان‌دهی می‌شود. از آن جا که سند فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران جامعیت بیشتری دارد و محتوای آن متناسب با فرهنگ جامعه است، بخشی از مبانی نظری در حوزه تربیت از این سند انتخاب خواهد شد. مبانی نظری سند فلسفه تربیت مربوط به تربیت رسمی و عمومی است؛ اما بسیاری از مؤلفه‌های آن، از جمله ساحت‌های تربیت را می‌توان به حوزه تربیت در خانواده نیز تعمیم داد و ماهیت بین‌رشته‌ای این پژوهش نیز به لحاظ دیده شدن بحث تربیت فرزند در حوزه خانواده است که یکی از ویژگی‌های اصلی پژوهش حاضر است. در ادامه، رویکردهای تربیت فرزند و مضامین آن که در سیره امام رضا (علیه السلام) مشهود بوده، با ذکر شواهد و اسناد توصیفی و تحلیل می‌شود. به دلیل محدودیت در ظرفیت پژوهش، تنها برخی از روایات در این حیطه بررسی می‌شود و رویکردهای به دست آمده بخشی اندک از سیره امام رضا (علیه السلام)؛ را بازگو می‌کند و قطعاً همه موارد سیره در این مقوله نمی‌گنجد.

یافته‌های پژوهش

تربیت فرزند در خانواده با توجه به سیره امام رضا (علیه السلام)؛

شواهد به دست آمده از پژوهش نشان داد که در سیره امام رضا (علیه السلام)، تربیت در خانواده مقوله مهمی در زندگی است و به تدبیر و درایت کافی نیاز دارد. به نظر می‌رسد سیره نظری و عملی امام رضا (علیه السلام) که «وی را عالم آل محمد (علیه السلام) نیز نامیده‌اند»^۱ (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۶۴)، می‌تواند روشنگر خط مشی خانواده برای تربیت فرزند در جامعه امروز باشد. در این قسمت، ابتدا مبانی مرتبط با ساحت‌های تربیت آمده، سپس همراه با هر ساحت به توصیف و تحلیل سیره پرداخته شده است.



تربیت دینی

تربیت اعتقادی و عبادی

«ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی بخشی از جریان تربیت است که ناظر به رشد و تقویت مرتبه قابل قبولی از جنبه دینی و اخلاقی حیات طیبه در وجود متربیان و ایمان متربیان به مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها و اعمال، در راستای تعالی هویت دینی و اخلاقی است» (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، ۱۳۹۰: ۲۹۹). مخاطب اصلی دین، فطرت انسان‌هاست و رسالت اصلی آن هم شکوفا کردن همین فطرت انسانی است.

شهید مطهری عقیده دارد «آنان که در خدمت انسان‌اند و اومانیست واقعی به شمار می‌روند، ملاک‌های انسانی و استعداد‌های ویژه انسانی و شخصیت و سرشت انسانی و بالاخره فطرت انسانی را در نظر می‌گیرند. این افراد انسان را بر اساس فطرت رشد

۱. «أَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليه السلام كَانَ يَقُولُ لِبَنِيهِ هَذَا أَخُوكُمْ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَلِيمٌ آلِ مُحَمَّدٍ فَأَسْأَلُوهُ عَنْ أَدْبَانِكُمْ وَ اخْفَظُوا مَا يَقُولُ لَكُمْ.»

می‌دهند» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۸۲). یکی از ویژگی‌های رویکرد ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، فطرت‌مداری است. خانواده در پرورش انسان بر اساس فطرت نقش بارزی دارد. در صورتی که فطرت انسانی در خانواده نادیده انگاشته شود، کار مدرسه در امر تربیت دشوار می‌شود. فطرت‌مداری یعنی اینکه همه انسان‌ها با یک سرشت نیکو متولد می‌شوند، همه در ذات خود دارای کرامت‌اند، همه عدالت را دوست دارند و بالاخره همه آنچه خوب است، مانند راستی و درستی، میل به آن در وجود هر انسانی در هنگام خلقت، سرشته است. پیامبران الهی در تربیت انسان‌ها، به این میل ربوبی که رنگ‌خدایی دارد، توجه داشتند.

سیره امام رضا (علیه السلام)، نیز در تربیت اعتقادی و عبادی، بر اساس فطرت انسانی و بر روش عملی استوار بود. به عنوان مثال در عرصه تربیت دینی فرزند، توصیه می‌کردند که در خانه اذان بگوید؛ چون فرزندان از همان کودکی با آن ذکر آشنا می‌شوند^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۳۰۸) و نیز به والدین توصیه می‌کنند که کودک به منظور دستگیری از نیازمندان و کمک به دیگران و نیز حفظ خود و خانواده‌اش از خطرهای و حوادث، از همان دوران کودکی، صدقه بدهد: «کودک را امر کن تا با دست خود صدقه بدهد؛ اگرچه کم باشد، هر چیزی که برای رضای خداوند داده شود، اگرچه کم هم باشد، در نزد خداوند بزرگ است»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴).

درباره دعوت فرزندان به نماز و آشنایی آن‌ها با این فریضة عبادی، امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «پسران باید در سنین هفت سالگی به نماز وادار شوند»^۳ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۴۳۶). همچنین بنابر سیره رضوی بسیار لازم و ضروری است که والدین به فرزندان خود قرآن را آموزش و ایشان را در فضایی معطر به عطر قرآن پرورش دهند. امام رضا (علیه السلام)، فرموده‌اند: «برای خانه‌های خود، نصیب و بهره‌ای از قرآن (یعنی تلاوت و تدبر در آن) قرار دهید. زیرا هرگاه قرآن در خانه خوانده شود (در رزق و روزی و سایر امور) بر اهل آن گشایش

۱. «أَدْنُ فِي بَيْتِكَ فَإِنَّهُ يُطْرَدُ الشَّيْطَانَ وَ يُسْتَحَبُّ مِنْ أَجْلِ الصَّبَّانِ».
 ۲. «مَرُّ الصَّبِيِّ فَلْيَتَصَدَّقْ بِيَدِهِ بِالْكَسْرَةِ وَالْقَبِيْضَةِ وَ الشَّيْءِ وَ إِنْ قَلَّ فَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ يُرَادُ بِهِ اللَّهُ وَ إِنْ قَلَّ نَعْدَ أَنْ تُصَدَّقَ النَّيَّةُ فِيهِ عَظِيمٌ».
 ۳. «يُؤْخَذُ الْغُلَامُ بِالصَّلَاةِ وَ هُوَ ابْنُ سَبْعِ سِنِينَ».

و آسایش قرار داده شود (و خیر و برکت و لذت زندگی در آن بسیار گردد) و ساکنین آن در معرض ازدیاد و افزایش نعمت باشند»^۱ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶: ۲۰۰). بنابراین خانه‌ای که اهلش اهل قرآن اند، از برکت قرآن رشد عقلی و فکری پیدا می‌کنند که عقل هماهنگ با قرآن، عقل ملکوتی و سودش عبادت حق و تحصیل بهشت جاودانی است (سالاری فر، ۱۳۸۵: ۳۴۱-۳۴۳). کودک به طور معمول سخن گفتن، آداب معاشرت، آداب و سنن دینی را در محیط خانه فرا می‌گیرد و اگر والدین به دستورات دینی اهمیت دهند و موازین اخلاقی را رعایت کنند، بی‌شک این گونه عمل بر روح و روان کودک تأثیر می‌گذارد (یوسفیان، ۱۳۸۹: ۱۰۸). امام رضا (علیه السلام) در همان مدت کوتاه زندگی با فرزندش برای او الگوی عملی کاملی بود. ضمن اینکه بیشتر به عمل فرزندش توجه می‌نمود.

تربیت اخلاقی

دین، هدف بالذات تکوین و تشریح را نیل به فضایل عالی اخلاقی می‌داند. در اکثریت آموزه‌های دینی مستقیم از موضوعات اخلاقی بحث شده است. براین اساس، قبول تغییرپذیری و ثبات نداشتن احکام اخلاقی به معنای عصری و موقتی شدن تعالیم دینی و انکار کمال و حاکمیت دین است و نسبیت اخلاقی با جاودانگی دین که از شئون کمال و خاتمیت آن است، در تعارض است (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۸۲). در سیره و تعالیم رضوی که برگرفته از مکتب پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، قانون‌گذار حقیقی گزاره‌های اخلاقی، خداوند است. امام رضا (علیه السلام) به رابطه متقابل ایمان و اخلاق اشاره و به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «بهترین مردم از نظر ایمان، خوش‌خوی‌ترین و مهربان‌ترین آن‌ها نسبت به خانواده‌اش است و من مهربان‌ترین شما به خانواده‌ام هستم»^۲ (منسوب به علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، بی تا: ۵۱-۵۲). و نیز فرمودند: «بد اخلاقی عمل را تباه می‌کند، چنانکه سرکه غسل

۱. «اجعلوا للبیوتکم نصیباً مِنَ الْقُرْآنِ - فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا فُرِيَ فِيهِ الْقُرْآنُ يُسَّرُ عَلَى أَهْلِهِ وَ كَثُرَ خَيْرُهُ وَ كَانَ سُكَّانُهُ فِي زِيَادَةٍ».
 ۲. «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ حُلُقًا وَ الطَّفُّهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا الطَّفُّكُمْ بِأَهْلِي».

را تباه می‌کند»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۳۷، ج ۲). امروزه تجارب، حاکی از آن است هر جا که اخلاق خوب در زندگی سایه افکنده، استحکام نهاد خانواده را تضمین کرده است. بسیاری از مشکلات و حتی قتل‌ها، به دنبال بد اخلاقی‌ها در خانواده به وجود آمده که تبعات آن به جامعه هم رسیده است. خوش اخلاقی یکی از شرایط ضروری برای انتخاب همسر است. در واقع برای هر گونه تربیت اخلاقی فرزند، ابتدا والدین باید در خانواده گشاده‌رو و با اخلاق باشند. تربیت اخلاقی بر پایه منابع الهی حکم می‌کند که انسان‌ها برای بهتر شدن زندگی، به فضیلت‌های اساسی اخلاقی روی آورند.

نمونه دیگر از سخنانی که حضرت مطرح می‌کند، در مقوله اخلاق اجتماعی است و اخلاق نیک را پس از ایمان به خداوند معرفی می‌کند. حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: «پس از ایمان به خداوند، نخستین عملی که عقل آدمی انسان را به آن ارشاد می‌کند، محبت و دوستی با مردم و احسان و نیکی با نیکوکاران و بدکاران است» (عطاردی، ۱۳۶۳: ۱۶۶). دوستی با مردم مد نظر شارع مقدس بوده و پیروان خود را همواره در این امر توصیه فرموده است.

حضرت با همه مردم با مهربانی و تواضع و تبسم و کریمانه رفتار می‌کردند. چنانکه می‌فرمودند: «لازم است با همه اطفال و بزرگسالان، با احترام و ادب رفتار کنید» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۶۷). همچنین می‌فرمودند: «با عموم مردم با گشاده‌رویی برخورد کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ۱۶۷). امام رضا (علیه السلام) برخورد و معاشرت مناسب و مهربانی با دیگران را بسیار مهم می‌دانست و خود با رعایت آن‌ها، در دل‌های دیگران نفوذ کرده بود. ایشان می‌فرمود: «پیامبر ﷺ با مردم به خوبی معاشرت می‌فرمود و با نرمی و آرامش با آن‌ها سخن می‌گفت» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۴۷۷). در روایت دیگری ابراهیم بن عباس می‌گوید: «هیچ‌گاه ندیدم که امام رضا (علیه السلام) در سخن بر کسی جفا ورزد و نیز ندیدم که سخن کسی را پیش از تمام شدن قطع کند. هرگز ندیدم به کسی از خدمتکاران و غلامانشان بدگویی کند، خنده ایشان قهقهه نبود؛ بلکه تبسم بود؛

۱. «الْخُلُقُ السَّيِّئُ يَفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يَفْسِدُ الْخُلُقُ الْعَسَلَ».

چون سفره غذا به میان می‌آمد همه افراد خانه حتی دربان و مهتر را نیز بر سفره خویش می‌نشاند و آنان همراه با امام غذا می‌خوردند» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۸۴). ایشان با همه خوش اخلاق و مهربان بودند؛ چرا که بد اخلاقی را نابودکننده اعمال می‌دانستند و به سرکه‌ای تشبیه می‌کردند که شیرینی عسل را از بین می‌برد» (همان: ۳۷). ایشان در این زمینه الگوی خوبی برای فرزند خود بوده است. حضرت معتقد بودند: «زندگی کسی که دیگران از پرتو زندگی او، زندگی خوبی داشته باشند، بهتر است»^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶: ۴۴۸). در مقابل، مردم را از بد اخلاقی، جدل، دشمنی و به کارگیری صفات رذیله نسبت به یکدیگر به شدت نهی می‌فرمودند و عاقبت این کارها را درخواست شدیدترین مجازات از سوی خداوند برای آنان بیان می‌کردند^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۲۳۰).

امام رضا (علیه السلام) بر خوش اخلاقی و خوش رفتاری با خانواده تأکید فراوان داشتند. اهمیت این مطلب تا بدانجاست که حضرت به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به کسانی که در خانواده شان، حُسن اخلاق را محور و سرلوحه رفتار و گفتار خود قرار می‌دهند، چنین مژده می‌دهند: «در قیامت کسی به من نزدیک‌تر است که در دنیا خوش اخلاق‌تر باشد و با خانواده خودش نیکوکارتر»^۳ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۸). در سیره امام رضا (علیه السلام) به فرزند دوستی و خوش اخلاق بودن با کودکان و پرهیز از هرگونه رفتار تند و تنبیه بدنی نیز بسیار توصیه شده است. امام موسی کاظم (علیه السلام)، پدر امام رضا (علیه السلام) در این زمینه فرمودند: «فرزندت را کتک نزن و برای ادب کردنش با او قهر کن؛ هر چند نباید این قهر طولانی شود»^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱: ۹۹). در عرصه تربیت فرزند هم به سخت‌گیری بیش از حد یا دخالت‌های ناپسند والدین هشدار داده و از پدر و مادر، ملایمت و ملاحظت بیشتری نسبت به فرزندان طلب می‌نمودند^۵ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۲۰). بنابراین آنچه گفته شد، در میان روش‌های تربیت اخلاقی فرزند، روش عملی به دلیل کاربردی بودن، از نفوذ

۱. «مَنْ حَسَنَ مَعَاشَ غَيْرِهِ فِي مَعَاشِهِ».

۲. «وَلَا يَسْتَفْعَلُوا أَنْفُسَهُمْ بِتَفْرِيقِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا فَإِنِّي آئِيتٌ عَلَى نَفْسِي إِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ وَأَسْخَطَ وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي دَعَوْتُ اللَّهَ لِيُعَذِّبَهُ فِي الدُّنْيَا أَشَدَّ الْعَذَابِ».

۳. «أَقْرَبَكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ».

۴. «شَكَوْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع ابْنًا لِي فَقَالَ لَا تُضْرِبْهُ وَ اهْجُرْهُ وَ لَا تُطِيلَ».

۵. «سَأَلْتُ الرِّضَاعَ أَوْ سُبُلَ وَ أَنَا أَسْمَعُ عَنِ الرَّجُلِ يُجْبِرُ وَلَدَهُ وَ هُوَ لَا يُصَلِّي الْيَوْمَ وَ الْيَوْمَيْنِ فَقَالَ وَ كَمْ أَنَى عَلَى الْغُلَامِ فَقُلْتُ ثَمَانِي سِنِينَ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ يَثْرُكُ الصَّلَاةَ قَالَ قُلْتُ: يُصِيبُهُ الْوَجَعُ قَالَ يُصَلِّي عَلَى نَحْوِ مَا يَقْدِرُ».

و تأثیرگذاری فراوانی برخوردار است. بنابراین به جای آنکه آموزه‌های دینی و تربیتی را به صورت دستوری بیان کنیم، باید با اعمال و رفتار، این امور را به کودکان خویش آموزش دهیم؛ چراکه چشمان کودکان از تمام حرکات و سکنات والدین و خانواده فیلم‌برداری می‌کند. از این رو تربیت فرزند بیش از آنکه با آموزه‌های کلامی و ارتباط زبانی صورت گیرد، مبتنی بر رفتار عملی است.

تربیت اجتماعی

ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، بخشی از جریان تربیت ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متریبان را قادر می‌سازد شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، ۱۳۹۰: ۳۰۲). تربیت اجتماعی عبارت است از تأمین تمهیدات لازم برای متجلی ساختن ارزش‌ها و ضوابط مطلوب اجتماعی در فرد، به منظور مؤثر بودن او در برخورد‌های اجتماعی، اعم از هدایت دیگران، مخالفت با نظرات غیرمنطقی، توافق و سازگاری و اموری نظیر آن‌ها (همان). گفتنی است در سند تحول، مخاطب اصلی، نهادهای تربیتی از جمله مدرسه بوده است؛ اما خانواده در ساختن و پرداختن هویت اجتماعی و کسب مهارت‌های لازم برای حضور و نقش‌آفرینی در جامعه نقش ویژه‌ای دارد. هرگاه خانواده تربیت اجتماعی را رها کند و این مسئولیت را به مدرسه یا جامعه بسپارد و مدرسه نیز به دلایل عدیده‌ای از پس این مسئولیت برنیاید، ناهنجاری‌های اجتماعی اوج می‌گیرد. از آن‌جا که هنجارها مبتنی بر ارزش و قانون است، در تربیت اجتماعی و سیاسی، توجه به مباحث ارزشی و اخلاقی و قوانین جامعه باید در اولویت قرار گیرد. این مسئله در مراحل اولیه در خانواده شکل می‌گیرد و کودک، حقوق و مسئولیت اجتماعی خود را در این جامعه کوچک تمرین می‌کند.

پرورش هویت اجتماعی

این مقوله با نگاهی به انسان، به عنوان موجودی اجتماعی، به شکل گیری شخصیت انسانی و فراهم شدن شرایط رشد او در جامعه اشاره دارد. رفتار امام رضا (علیه السلام) با فرزندش حکایت از اهمیت ایشان به پرورش هویت اجتماعی دارد. آن حضرت با اخلاق انسانی و فضایل اخلاقی، علاوه بر آنکه روابط اجتماعی خود را تحکیم می بخشید و خود از فعالان سیاسی بود، فرزند خود، امام جواد (علیه السلام)، را نیز فردی اخلاقی و به لحاظ روابط اجتماعی شایسته تربیت کرد؛ برای مثال زمانی که حضرت در مرو بود، نامه ای به فرزندش امام جواد (علیه السلام) نوشت که مضمون آن این گونه بود:

ای ابو جعفر! شنیده ام هنگامی که سوار مرکب می شوی، غلامان تو را از درب کوچک بیرون می برند. این از بخل آن هاست؛ زیرا نمی خواهند خیر تو به کسی برسد و تو انفاق کنی. به حقی که من بر گردن تو دارم، از تو می خواهم که رفت و آمدت، فقط از درب بزرگ باشد. هنگامی که بیرون می روی، زر و سیم با خود داشته باش و هرکس از تو چیزی خواست، باید به او بدهی. من می خواهم به این وسیله، خدا تو را بزرگ کند و توفیق دهد. انفاق کن و نترس از اینکه روزی ات کم شود یا تهیدست شوی^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴۳).

حضرت با این درخواست از فرزندش، او را در یک موقعیت اجتماعی قرار می دهد و به فرزندش نقش های اجتماعی می دهد تا امام جواد (علیه السلام) روابط خود را با مردم حفظ کند و به آن ها کمک کند. به او متذکر می شود که به وسیله کمک به مردم، خداوند او را بزرگ می کند. به نظر می رسد منظور از بزرگ شدن، رشد یافتن و ارزشمند شدن و مقام عالی پیدا کردن است. در این جا حضرت، یک نظام اخلاقی مبتنی بر اخلاق عملی را در فرزند خود شکل می دهد که پیامد آن رعایت حقوق و اخلاق اجتماعی است؛ همان چیزی که به خاطر آن مکاتب گوناگون در جهان ظهور یافته و هر یک به نوعی پیرامون آن سخن

۱. «يَا أَبَا جَعْفَرٍ بَلِّغْنِي أَنَّ الْمَوَالِي إِذَا رَكِبْتَ أَخْرَجُوكَ مِنَ الْبَابِ الصَّغِيرِ فَإِنَّمَا ذَلِكَ مِنْ بُخْلِ بِهِمْ لِئَلَّا يَنَالَ مِنْكَ أَحَدٌ خَيْرًا فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّي عَلَيْكَ لَا يَكُنْ مَدْخُلَكَ وَمَخْرُجَكَ إِلَّا مِنَ الْبَابِ الْكَبِيرِ وَإِذَا رَكِبْتَ فَلْيَكُنْ مِنْكَ [مَعَكَ] ذَهَبٌ وَفِطْنَةٌ ثُمَّ لَا يَسْأَلُكَ أَحَدٌ إِلَّا أَعْطَيْتَهُ.»

گفته‌اند. این نکته حائز اهمیت است که حضرت برای سعادت فرزندش، آن‌گونه برنامه زندگی را یادآوری می‌کند که هم به اخلاق فردی توجه دارد و هم به اخلاق اجتماعی. نکته اساسی دیگر در این روایت، استمرار هدایت فرایند تربیت است. دغدغه این مسئله برای حضرت تا به آن جاست که حتی در سفر هم از آن غافل نمی‌شود.

اما سؤال اینجاست که چرا پرورش هویت اجتماعی لازم است؟ برای پاسخ به سؤال ابتدا باید هویت اجتماعی را تعریف کرد. در سند فلسفه تربیت، هویت این‌گونه تعریف شده است: «انسان با داشتن فطرت الهی، برخورداری از عواطف و تمایلات و استعدادهای طبیعی و تأثیرپذیری نسبی از عوامل محیطی و وراثتی، بر اثر نوع استفاده از عقل خویش و چگونگی درک موقعیت‌های مختلف و نحوه مواجهه اختیاری با آن‌ها، به تدریج واقعیتی مشخص و سیال در دو بعد فردی و جمعی می‌یابد که از آن با نام هویت و در تعبیر قرآنی با نام شاکله، از آن یاد می‌شود» (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، ۱۳۹۰: ۱۳۱) و در بیان وجه جمعی هویت که همان هویت اجتماعی است، در سند مذکور آمده است: «وجه جمعی هویت ناظر به وجوه مشترک شخصیت فرد با دیگران است که شامل لایه‌های متعددی، مانند هویت انسانی، هویت دینی / مذهبی، ملی، قومی، جنسیتی، حرفه‌ای و خانوادگی می‌شود» (همان: ۱۳۳). خانواده اولین و مهم‌ترین بستر برای پرورش هویت اجتماعی است.

امام رضا (علیه السلام) در روایت مختلفی بر رعایت معیارهای فردی به منظور حفظ برقراری ارتباط جمعی، تأکید کرده‌اند. از جمله درباره ویژگی‌های یک فرد کامل فرموده‌اند:

- خیر خواه دیگران باشد؛ از بدی او در امان باشند؛ خیر اندک دیگری را بسیار شمارد؛ خیر بسیار خود را اندک شمارد؛ هر چه حاجت از او خواهند، دلتنگ نشود؛ در عمر خود از دانش طلبی خسته نشود؛ فقر در راه خدا نزدش از توانگری محبوب‌تر باشد؛ خواری در راه خدا را از عزت نزد دشمن بهتر بداند؛ گمنامی را از شهرت بیشتر بخواهد؛ سپس فرمودند: «شگفتا از ویژگی دهم. شخصی پرسید که چیست؟ فرمود: احدی را ننگرد جز اینکه بگوید او از من بهتر و پرهیزکارتر است» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶: ۴۶۷).

از دیگر مصادیق مهم بیان شده در کلام امام رضا (علیه السلام) در حوزه هویت اجتماعی، می‌توان به مهارت مردمداری، دوست‌یابی، گوش‌دادن و همدلی با دیگران اشاره کرد که هرکدامشان زیر مجموعه‌های بسیاری دارند (شرفی، ۱۳۸۸: ۶۹). در فراسوی بسیاری از کارهایی که افراد انجام می‌دهند و تلقی‌ها و تفکراتی که دارند، مفهوم هویت نهفته است. هویت سطوح مختلفی دارد. در سطح فردی از طریق قوای فردی شکل داده می‌شود و در نهایت شخصیت فردی افراد را می‌سازد. هویت در سطح اجتماعی از نیاز انسان در بودن به عنوان فردی از گروه‌های مختلف شکل می‌گیرد و این سطح از هویت باعث می‌شود که افراد در گروه‌های متنوعی از جامعه عضویت یابند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۸). «هویت جمعی در معنی همسانی با دیگران، با پیوستگی و عضویت افراد در گروه‌ها و مقوله‌ها ارتباط دارد؛ بدین معنی که در این رویکرد افراد بر اساس شباهت‌ها و همسانی‌هایشان با یکدیگر در مقوله‌هایی دسته‌بندی می‌شوند» (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۳۰). با توجه به آنچه گفته شد، بر اساس نظر تحلیل‌گران این حوزه، هرگونه تغییر در هویت فردی، سبب تغییر در هویت اجتماعی می‌شود؛ یعنی اگر فرد فرد هر جامعه‌ای درصدد باشند که به صورت خواسته یا ناخواسته ارزش‌های زندگی خود را در شکل و محتوا تغییر دهند، در طول زمان هویت اجتماعی نیز دچار تغییر می‌شود و این تغییر در نهایت به سمت تغییر در هویت ملی نیز منجر می‌شود. هویت ملی مجموعه‌ای اعتقادی، روانی، ارزشی و عاطفی است که همه افراد اجتماع را به هم پیوند می‌دهد و سبب تفاوت یک جامعه از جامعه دیگر می‌شود.

هویت اجتماعی بیانگر تشابهات فردی است. در این بعد، فرد خود را بر مبنای وابستگی‌های گروهی یا طبقاتی تعریف می‌کند. «تاجفل» هویت اجتماعی را دانش فرد از تعلق به گروه اجتماعی خاص و اهمیتی می‌داند که برای این عضویت و تعلق قائل است. او توقع دارد گروهش ویژگی‌هایی داشته باشد که با ویژگی‌های سایر گروه‌ها قابل رقابت باشد (تاجفل، ۱۹۷۸: ۶۳).

از آنجا که سبک زندگی، هویت افراد را مشخص می‌کند، می‌توان اظهار داشت که مرزهای سبک زندگی تعیین‌کننده مرزهای هویتی است و می‌تواند هویت افراد را متجسم

کند (میرزمانی، ۱۳۹۱: ۸۸). برای فهم هویت اجتماعی در سیره امام رضا (علیه السلام)، باید به چند مقوله توجه اساسی شود. مقوله‌هایی که ناظر به ارتباط فرد با فرد یا افراد با دیگران است و لازمه این ارتباط، شناخت درست فرد از خویش و داشتن انتظاراتی معقول و منطقی از دیگران متناسب با ویژگی‌های شخصیتی خود است که به برقراری ارتباط مطلوب منجر خواهد شد (شرفی، ۱۳۸۸: ۵۶). یکی از روش‌های ارتباطی، گفت‌وگوست. اگر چه به نظر ساده می‌آید، اما در شکل‌گیری هویت اجتماعی بسیار مؤثر است.

گفت‌وگو

می‌توان گفت که انسان در اجتماع و طی فرایند اجتماعی ساخته و تعریف می‌شود. یکی از مقوله‌هایی که در فرایند اجتماعی شدن اهمیت می‌یابد گفت‌وگوست. گفت‌وگو نوعی گفت‌وشنود است که در آن ارتباط و تعامل با افراد، گروه‌ها و واحدهای اجتماعی موجود در جامعه رخ می‌دهد. خانواده اولین مکانی است که هر فردی می‌تواند گفت‌وگو را در آن جا تجربه کند. امام رضا (علیه السلام) یکی از راه‌های ارتباط با خانواده و نزدیکان را استفاده از فرهنگ سخن گفتن و رابطه برقرار کردن بر اساس دوستی و محبت می‌دانستند و آن را به مثابه یک کانال ارتباطی برای اظهار دوستی و محبت به آنان به کار می‌بردند. انس و الفت در قالب گفت‌وگو به عنوان یک ابزار قدرتمند، در ارج نهادن به انسان و شایستگی او در داشتن ایده و فکر منحصر به فرد و توجه به نظر و عقیده فرد در خانواده در سیره حضرت مشهود بود.

یاسر، خادم امام رضا (علیه السلام) می‌گوید:

روش امام چنین بود که چون خلوت می‌کرد، چشم‌وخدم خود را از کوچک و بزرگ جمع و با آن‌ها گفت‌وگو می‌کرد و خود را مأنوس و مونس آنان می‌ساخت و طریقه آن حضرت در هنگام غذا خوردن این بود که چون سفره غذا را برای آن بزرگوار حاضر می‌ساختند، کوچک و بزرگ، حتی میرآخور و حجامت‌کننده را در کنار خود می‌نشاند و با آن‌ها غذا

می خورد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۵۹).

صحبت یا گفت‌وگو، اساس ایجاد رابطه کارآمد است. رابطه افراد زمانی به بهترین شکل عمل می‌کند که مسائل زیادی را از هم پنهان نکنند. باید میان آن‌ها اعتماد متقابل وجود داشته باشد. اعتماد هم چیزی است که ساخته می‌شود و نباید وجود آن را بدیهی فرض کرد. در رابطه خوب، اعمال قدرت دل‌بخوایی، فشار یا خشونت وجود ندارد (گیدنز، ۱۳۹۵: ۹۰).

امام رضا (علیه السلام) سردمدار این حرکت فرهنگی، یعنی فرهنگ گفت‌وگو بود؛ از جمله این موارد می‌توان به مناظرات علمی حضرت رضا (علیه السلام) با مأمون و فیلسوفان اسلامی و غیراسلامی اشاره کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۴ - ۱۷۸). اما آنچه در آیین گفت‌وگوی حضرت آمده، این است که رعایت نکات اخلاقی و احترام به مخاطب، یکی از روش‌هایی بود که حضرت در گفت‌وگوهای خود آن را به کار می‌بردند و دیگر اینکه «بر اساس توان درک هر فرد، با او به گفت‌وگو می‌پرداختند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۶۹ و ج ۳: ۲۲۱). این روش حضرت در تربیت فرزند نیز کاربرد دارد.

پرورش حس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه و طبیعت

حضرت جواد (علیه السلام) در دوره نوجوانی و حتی در دوره کودکی، اداره امور حضرت رضا (علیه السلام) را در مدینه به عهده داشت و به شایستگی این امور را انجام داد. به نظر می‌رسد امام رضا (علیه السلام) بدین وسیله حس مسئولیت‌پذیری را در فرزندش پرورش داده است. مسئولیت‌پذیری فرزندان برای رسیدن به حس کفایت و خودباوری یکی از وظایف والدین است. توجه به باورهای فرزندان و واگذاری مسئولیت به آنان، در ایجاد اعتماد به نفس آنان نقش اساسی دارد. اگرچه واگذاری مسئولیت‌ها و تکالیف سخت نیز ممکن است به نابسامانی و احساس بی‌کفایتی در فرزند بینجامد.

۱. «و یُكَلِّمُ النَّاسَ بِمَا یَعْرِفُونَ وَ یَكْفُ عَمَّا یُنْكَرُونَ».

مسئولیت‌پذیری به طبیعت نیز در سیره امام مشهود بود. از جمله زمانی که امام در مسیر مرو خواست به دعوت سیاسی مامون پاسخ گوید، وارد نیشابور شد و در منزلی ساکن شدند. امام در گوشه‌ای از حیاط درخت بادامی کاشت که پس از گذشت یک سال به ثمر نشست. مردم از میوه و برگ آن، برای استشفای استفاده می‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۱۲۱). گستره سبک زندگی، عرصه وسیعی از رفتار آدمی با خدا، خود، خانواده، جامعه و حتی طبیعت را در بر می‌گیرد. حضرت از طبیعت برای تفریح استفاده صحیح می‌نمود. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «بوی خوش، عسل، سوارکاری و نگاه به مناظر سرسبز و خرم، باعث نشاط و شادی می‌شود» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۰). تفریح و سرگرمی‌های لذت‌بخش، آدمی را در اداره زندگی یاری می‌کند و با کمک آن در امور دنیای خویش موفق‌تر خواهد بود. یکی از عوامل استحکام خانواده، فراهم کردن شرایطی برای شادی و تفریح افراد آن است. سفر، گشت‌وگذار در طبیعت، کوهپیمایی و... می‌تواند فرصتی باشد تا اعضای خانواده در آن رفع خستگی کنند و برای انجام دادن مسئولیت‌ها و وظایف خود، توان مجدد بیابند. روح آدمی در دوری از طبیعت، احساس گرفتگی و کسالت می‌کند و با بازگشت به آن، شادابی و نشاط خاصی در خود می‌یابد (مؤسسه خدمات مشاوره‌ای جوانان و پژوهش‌های اجتماعی، ۱۳۹۰: ۵۵). در عصر مدرنیته، انسان به عنوان فاعل شناسایی و اقتدار، طبیعت و آدم را به عنوان یک ابژه در حوزه تسلط خود می‌بیند. یکی از راه‌های پرورش حس مسئولیت‌پذیری، رشد تفکر انتقادی در افراد است. اصولاً فضای اعتماد و همدلی در خانواده، فرد را مسئولیت‌پذیر می‌کند. چنین فضایی زمینه‌ساز رشد تفکر انتقادی است.

رشد تفکر انتقادی

امروزه نقش تفکر انتقادی در بحث ارکان و ابزار تربیتی، نظر بسیاری از پژوهشگران و کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. یکی از مواردی که تفکر انتقادی در آن نقش اساسی دارد، قلمرو رسانه و فضای مجازی است. در حالی که

برخی از پیام‌های رسانه و فضای مجازی، بر خلاف جهت تربیت صحیح خانواده عمل می‌کند، افراد خانواده می‌توانند با آموزش تفکر انتقادی صحیح درباره مسائل ناصواب، موضع‌گیری درستی داشته باشند. در حوزه دین نیز توجه به مفهوم تفکر انتقادی از ابتدا مورد تأکید و توصیه قرآن و آموزه‌های دینی بوده و در سیره اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به وفور وجود داشته است؛ به طوری که می‌توان اهمیت پرداختن و توجه به این تفکر را در سیره رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به وضوح دید. در سیره عملی امام رضا (علیه السلام) همانند سایر امامان، ویژگی‌هایی از شاخصه‌های اساسی تفکر انتقادی مشهود بوده است که در ادامه به چند ویژگی به صورت اجمالی اشاره می‌کنم:

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های این تفکر که در کلام پیشوایان معصوم (علیهم السلام) نیز بارها به آن اشاره شده است، تدبیر و تعقل است؛ به این معنا که باید قبل از انجام دادن هر کاری، به بررسی ابعاد و نتایج خوب و بد آن پرداخت و از فرجام و عاقبت کار غافل نماند. این موضوع کمک خواهد کرد که انسان با بصیرت و آگاهی وارد انجام دادن کاری یا عملی شود. چنانکه امام رضا (علیه السلام) در این باره فرمودند: «تدبیر و تعقل قبل از انجام دادن کاری، تورا از پشیمانی بعد از آن باز می‌دارد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۵۴).

شاخصه دیگری که در تفکر انتقادی مطرح می‌شود، تجزیه و تحلیل و مطابقت با معیارهای درست و تشخیص سره از ناسره است (شرفی، ۱۳۸۸: ۴۳). شاخصه دیگری که در تفکر نقادانه مطرح می‌شود و در سیره اهل بیت (علیهم السلام) نیز دیده می‌شود، پیوستگی علم و عمل است. یعنی گفتار انسان می‌بایست با افزایش سطح آگاهی و کسب علم صحیح دین، در مسیر درست به کار گرفته شود تا تأثیرش در حوزه تربیت کاربردی باشد. بنابراین هم دانش تئوری و هم عملی باید در حوزه تفکر و تدبیر و تعقل به کار گرفته شود. امام رضا (علیه السلام) در این باره فرموده‌اند: «گفتار [خالی] بدون عمل، سودی و بهره‌ای ندارد»^۲ (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۳۷).

۱. «الْتَدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ».

۲. «لَا قَوْلَ إِلَّا بِعَمَلٍ».

رابطهٔ افراد خانواده باید بر اساس دوستی و مبتنی بر همکاری باشد و تفکر نقادانه در روابط دیده شود. در دنیای امروز که فضای سایبری بر خانواده سایه گسترانیده است، اگر همهٔ افراد خانواده نتوانند در مسائل پیرامون خود به تأمل و بازنگری بپردازند و تفکر انتقادی داشته باشند، در انتخاب‌های خود در زندگی و همچنین در تصمیم‌های خود با مشکل مواجه خواهند شد. روان‌شناسان و تحلیلگران غربی بر آموزش پذیر بودن این تفکر تأکید کرده‌اند: «همان طور که شما مفاهیم و کار را در هر رشتهٔ خاص فرا می‌گیرید، مهارت‌های تفکر انتقادی هم قابل انتقال است و آموزش داده می‌شود» (آلن بنسلی، ۱۹۹۷م: ۸).

تربیت علمی و فناوری

ساحت تربیت علمی و فناوری ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متریبان را در شناخت و بهره‌گیری و توسعهٔ نتایج تجارب متراکم بشری در عرصهٔ علم و فناوری یاری کند تا بر اساس آن متریبان، با عنایت به تغییرات و تحولات آینده، نسبت به جهان هستی و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت، بینشی ارزشمند کسب کنند. این تغییر نگرش می‌تواند به یک راهبرد اساسی در نگاه انسان به طبیعت و حفظ و مراقبت از آن بینجامد. این ساحت از تربیت، ناظر به رشد توانمندی افراد جامعه در راستای فهم و درک دانش‌های پایه و عمومی، کسب مهارت دانش‌افزایی، به‌کارگیری شیوهٔ تفکر علمی و منطقی، توان تفکر انتقادی، آمادگی برای بروز خلاقیت و نوآوری و نیز ناظر به کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی است (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، ۱۳۹۰: ۳۱۱). یکی از اهداف ساحت تربیت علمی و فناوری، «شناخت و بهره‌گیری از نتایج تجارب متراکم بشری در حوزهٔ علم و فناوری، بر اساس نظام معیار اسلامی است. بر این اساس فهم و درک دانش‌های پایه و علوم کاربردی، کسب مهارت دانش‌افزایی، کسب دانش، بینش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی، به‌کارگیری شیوهٔ تفکر علمی و منطقی و داشتن تفکر انتقادی در مواجهه با مسائل زندگی» (همان:

۱۵۷) باید مدنظر قرار گیرد. متناظر با این مؤلفه‌ها، امام رضا (علیه السلام) در احادیث و روایات سخن گفته‌اند. امام در اهمیت علم‌آموزی به نقل از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «دانش بجوید که همانا آن واسطه میان شما و خداوند است و البته دانشجویی بر هر فرد مسلمانی واجب است»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ۱۷۲) و دانش را مایه سربلندی دانسته و فرموده‌اند: «خداوند به واسطه علم اقوامی را سربلند می‌کند و آنان را در خیر پیشوا قرار می‌دهد که از آثار آن‌ها اقتباس می‌شود و به کردار آن‌ها مردم راه می‌یابند و به رأی و نظر آن‌ها منتهی می‌شوند»^۲ (همان: ۱۷۱). در روایات آمده است که حضرت رضا (علیه السلام) در قالب روش گفتمان به ۱۵ هزار مسئله پاسخ داده‌اند^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹: ۹۹).

از دیدگاه امام رضا (علیه السلام) یکی از راه‌های تکمیل فهم و خرد انسان مؤمن، برخوردارگی از علم و دانش و یادگیری آن است. ایشان می‌فرمودند: «از ویژگی‌های انسان مسلمان این است که در طول عمرش از طلب دانش خسته نشود»^۴ (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۷۶: ۴۴۳). سیره تربیتی حضرت در امور علمی این‌گونه بود که مردم را به علم‌آموزی دعوت کرده و هیچ‌گونه شرم و حیا را در یادگیری علم قبول نداشتند و می‌فرمودند: «کسی که علم ندارد، نباید از یادگیری خجالت بکشد»^۵ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۴).

حضرت خود با شور و اشتیاق و جدیت زیاد، در خانه یا مسجد می‌نشستند و به پرسش دیگران پاسخ می‌گفتند. سلیمان جعفری یکی از صحابه امام رضا (علیه السلام) می‌گوید: «در خدمت حضرت امام رضا (علیه السلام) بودم و منزل ایشان پر بود از مردمی که برای پرسیدن سؤالاتشان به ایشان رجوع می‌کردند»^۶ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۱۳۱). از طرفی تسلط امام رضا (علیه السلام) به زبان‌های گوناگون، موجب شده بود به سؤالات همه افراد با زبان خودشان سخن بگویند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۲۸). همه این روایات نشان می‌دهد که برخورد عالمانه حضرت، در خانواده نیز تسری پیدا کرده است که یکی از اثرات آن فرزندی

۱. «فَاظْلَمُوا الْعِلْمَ فَإِنَّهُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنْ طَلَبَ الْعِلْمَ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.»
 ۲. «يَرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَقْوَامًا فَيَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ قَادَةً تَقْتَبِسُ آثَارَهُمْ وَ يُهْتَدَى بِفَعَالِهِمْ وَ يَنْتَهَى إِلَى رَأْيِهِمْ.»
 ۳. «لَمَّا اخْتَلَفَ النَّاسُ فِي أَمْرِ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاعِ جَمَعَتْ مِنْ مَسَائِلِهِ مِمَّا سُئِلَ عَنْهُ وَ أَحَابَ فِيهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ أَلْفَ مَسْأَلَةٍ.»
 ۴. «وَ لَا يَمَلُ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طُولَ دَهْرِهِ.»
 ۵. «وَ لَا يَسْتَحْيِي أَحَدَكُمْ إِذَا لَمْ يَعْلَمْ أَنْ يَتَعَلَّمَ.»
 ۶. «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاعِ وَ الْبَيْتُ مَمْلُوءٌ مِنَ النَّاسِ يَسْأَلُونَهُ وَ هُوَ يُجِيبُهُمْ.»

با شخصیت امام جواد علیه السلام است. کمالات امام جواد علیه السلام در حدی بود که حدود هشت سالگی پیشوا و رهبر مسلمانان شد. امامت امام جواد علیه السلام در کودکی بیانگر تربیت صحیح ایشان در خانواده است. اگرچه علم امام لدنی است نه آموختنی، می توان گفت در خانواده، پیشرو بودن در علم آموزی و عمل به آن از این لحاظ اهمیّت دارد که عدم انطباق در رفتار و گفتار، باعث پیدایش تناقض و ایجاد شکاف در ساحت های وجودی فرد گشته و افراد مورد تربیت را دچار سردرگمی و اعتماد نداشتن به والدین می نماید. امام رضا علیه السلام با رفتار خود، فرزندش را عالم نمود. البته امام رضا علیه السلام در همه حال از خداوند استمداد می جست و به او اعتماد می نمود.

نتیجه گیری

در این پژوهش، تربیت فرزند در خانواده در سیره امام رضا علیه السلام، به عنوان هدف مطالعه شد. یافته های پژوهش نشان داد که سه رویکرد برای تربیت فرزند در خانواده متصور است. در رویکرد اول؛ تربیت دینی با زیرمجموعه تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی بررسی گردید. گفتنی است تربیت انسانی در بینش اسلامی، تنها به شکوفایی استعدادها بسنده نکرده، بلکه کمال و تعالی انسان را مطرح کرده است. انگاره زندگی خوب در پرتو تعالی انسانی شکل می گیرد و روح پایان ناپذیر انسان با رسیدن به غایت زندگی سیراب می شود. در سیره امام رضا علیه السلام، غایت مطلوب زندگی انسان، خدا و بندگی اوست. در این بعد از تربیت، سیره امام مبتنی بر روش عملی بود. در سیره امام رضا علیه السلام، که برگرفته از مکتب پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ قانون گذار حقیقی گزاره های اخلاقی، خداوند است. ایشان اخلاق نیک را پس از ایمان به خداوند معرفی می کند. فلسفه زندگی امام رضا علیه السلام بر مدار احترام متقابل بین اعضای خانواده و ارزش گذاری بر کرامت انسانی بوده است. به صورتی که فرزندش، امام جواد علیه السلام نیز به تأسی از پدر بر ارزش های والای انسانی صحه گذاشت. تربیت اخلاقی برپایه منابع الهی حکم می کند که انسان ها برای بهتر شدن زندگی، به فضیلت های اساسی اخلاقی روی آورند. حضرت در این زمینه الگوی خوبی برای فرزند خود بوده است.

در رویکرد دوم؛ تربیت اجتماعی فرزند در خانواده با زیرمجموعه پرورش هویت اجتماعی، گفت‌وگو، پرورش حس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه و طبیعت و رشد تفکر انتقادی بررسی شد. دین اسلام در هر برهه‌ای، به مسائل اجتماعی اهتمام ویژه داشته است. امام رضا (علیه السلام) به فرزند خود نقش‌های اجتماعی می‌داد تا امام جواد (علیه السلام) روابط خود را با مردم حفظ کند و به آن‌ها کمک کند و به او متذکر می‌گردید که به وسیله کمک به مردم، خداوند او را بزرگ می‌کند و مقام عالی پیدا می‌کند. همچنین فرزند خود را در موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی قرار می‌داد. بدین وسیله حضرت یک نظام اخلاقی مبتنی بر اخلاق اجتماعی و عملی را در فرزند خود شکل می‌دهد که پیامد آن رعایت حقوق و اخلاق اجتماعی است. از آنجا که بخشی از ناهنجاری‌های اجتماعی بازتاب هویت اجتماعی سرگردان و پرورش نایافته است، پرورش هویت اجتماعی اهمیت می‌یابد. بر اساس سیره، گفت‌وگو، اساس ایجاد رابطه کارآمد است. بخشی از برنامه تربیت فرد در خانواده، به نوع تعاملات او با انسان‌های دیگر ربط پیدا می‌کند. رابطه افراد با هم، زمانی به بهترین شکل عمل می‌کند که مسائل زیادی را از هم پنهان نکنند و بین آن‌ها اعتماد متقابل وجود داشته باشد. اعتماد هم چیزی است که ساخته می‌شود و نباید وجود آن را بدیهی فرض کرد. در رابطه خوب، اعمال قدرت و ارباب و خشونت وجود ندارد؛ بلکه آیین گفت‌وگو، بر اساس رعایت نکات اخلاقی و احترام به مخاطب و درک متقابل شکل می‌گیرد.

پرورش حس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه و طبیعت، مقوله دیگری در رویکرد تربیتی امام رضا (علیه السلام) است. انسان تنها موجودی است که خداوند او را بر کل هستی برتری بخشیده و او را خلیفه خود در روی زمین قرار داده است. این نکته که بر کرامت انسانی نیز اشاره دارد، گویای مسئولیتی است که خداوند بر دوشش نهاده است. این مسئولیت نیازمند آگاهی و بصیرت است که درباره علم‌آموزی نیز حضرت سفارش کرده است. سیره حضرت نشان داد که ایشان با راهنمایی و ارشاد فرزند خود و دیگران و بیان احادیث و روایات، در برابر دیگران حس مسئولیت داشتند. همچنین مسئولیت‌پذیری اثرگذار در قبال طبیعت، در سیره مشهود بود؛ از جمله زمانی که امام در منزلی ساکن شد و درخت بادامی

کاشت که پس از گذشت یک سال به ثمر نشست. اصولاً فضای اعتماد و همدلی در خانواده، فرد را مسئولیت‌پذیر می‌کند. چنین فضایی زمینه‌ساز رشد تفکر انتقادی است. یکی از شاخصه‌های مهم این تفکر که در کلام پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نیز بارها به آن اشاره شده است، تدبیر و تعقل است؛ به این معنا که باید قبل از انجام دادن هر کاری، به بررسی ابعاد و نتایج خوب و بد آن پرداخت و از فرجام و عاقبت کار غافل نماند. تجزیه و تحلیل امور با معیارهای صحیح و پیوستگی علم و عمل، از شاخصه‌های دیگر تفکر انتقادی است. امروزه یکی از مواردی که تفکر انتقادی در آن نقش اساسی دارد، قلمرو رسانه و فضای مجازی است. افراد خانواده می‌توانند با تفکر انتقادی صحیح، دربارهٔ مسائل ناصواب در این فضا، موضع‌گیری درستی داشته باشند و در مواجهه با مشکلات تصمیمات درستی اتخاذ کنند.

در رویکرد سوم؛ تربیت علمی بررسی شد. از دیدگاه امام رضا علیه‌السلام یکی از راه‌های تکمیل فهم و خرد انسان مؤمن، برخورداری از علم و دانش و فراگیری آن است. ایشان می‌فرمودند: «از ویژگی‌های انسان مسلمان این است که در طول عمرش از طلب دانش خسته نشود. حضرت با رفتار عالمانه فرزندی با شخصیت امام جواد علیه‌السلام را پرورش داد. کمالات امام جواد علیه‌السلام در حدی بود که حدود هشت سالگی پیشوا و رهبر مسلمانان شد؛ البته امام رضا علیه‌السلام در همه حال از خداوند استمداد می‌جست و به او اعتماد می‌نمود.

با نگاهی بر رویکردهای تربیت فرزند در خانواده، باید اذعان داشت که اگرچه در زمینه رویکردهای مذکور شایستگی‌ها و مقوله‌هایی ذکر شد؛ اما در این مرزبندی مقوله‌ها به صورت جداگانه نیستند، بلکه به صورت هم‌پوشان و متداخل هستند. این تداخل ناشی از پیچیدگی امر تربیت است. برای نمونه تفکر انتقادی، می‌تواند زمینه‌ای برای تربیت اخلاقی باشد. نتایج پژوهش نشان داد رویکرد تربیت در سیره امام در هر کدام از مضامین استنباط شده، بسیار پر بار و گسترده است و می‌تواند آغازگر پژوهشی دیگر باشد. برای نمونه بحث مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه و طبیعت و نیز مسئولیت‌پذیری نسبت به خداوند موضوعی است که می‌تواند مورد

پژوهشِ علاقه‌مندان قرارگیرد. می‌توان گفت بحث تربیت در خانواده در جامعه کنونی دارای اهمیت بوده و مغفول واقع شده است. پیشنهاد این پژوهش، تدوین سندی معطوف به تربیت در خانواده است. این سند برای خانواده قابلیت اجرایی دارد و دولت نقش نظارتی و حمایتی دارد.



منابع و مآخذ

- قرآن کریم. ترجمه محسن قرآنی.
- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم: سادات رضوی.
- ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین قمی. (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا علیه السلام*. به تحقیق و تصحیح مهدی لاجوردی. ج ۱ و ۲. تهران: جهان.
- _____ (۱۳۹۱ق). *من لا یحضره الفقیه*. به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری. ج ۳. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه الحرانی، ابی محمد حسن. (۱۳۷۶). *تحف العقول*. ترجمه محمد باقر کمره‌ای. چاپ ششم. قم: کتابچی.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹). *مناقب آل ابی طالب*. ج ۴. علامه.
- ابوالحسنی، سید رحیم. (۱۳۸۸). *تعیین و سنجش مؤلفه‌های هویت ایرانی*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- *برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران*. (۱۳۹۱). تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.
- بستان، حسین و همکاران. (۱۳۸۸). *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*. چاپ چهارم. ویراست دوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- به‌پژوه، احمد. (۱۳۷۸). *اصول برقراری رابطه انسانی با فرزندان در دوره دبیرستان*. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). *نهج الفصاحه؛ مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ*. چاپ چهارم. تهران: دنیای دانش.
- پناهی، علی احمد. (۱۳۹۸). *نقش زن و مرد در خانواده با رویکرد اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پورامینی، محمد باقر. (۱۳۹۲). *سبک زندگی؛ منشور زندگی در منظر امام رضا علیه السلام*؛ پرسمان رضوی. ج ۷. چاپ دوم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- جاهد، حسینعلی. (۱۳۸۷). *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت؛ تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: جهش.
- جعفری تبریزی، محمد تقی. (۱۳۷۰). *«حق کرامت انسانی»*. نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۲۷ (۰). صص: ۷۷-۹۸.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). *مفاتیح الحیات*. چاپ نود و پنجم. قم: اسرا.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. ج ۶ و ۷. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- _____ (۱۴۱۲ق). *وسائل الشیعه*. ج ۱۴. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حیدری نراقی، علی محمد. (۱۳۸۶). *رساله حقوق امام سجاد علیه السلام*. شرح نراقی. چاپ هفتم. قم: مهدی نراقی.
- دوثرتی، ویلیام؛ مک‌دانیل، سوزان. (۱۳۸۹). *خانواده‌درمانی*. ترجمه علی نیلوفری. تهران: ارجمند.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. به تحقیق و تصحیح صفوان عدنان داوودی. بیروت: دارالعلم و دمشق: الدار الشامیة.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). *دایرةالمعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.
- سالاری فر، محمدرضا. (۱۳۸۵). *نظام خانواده در اسلام*. قم: هاجر.
- ستیر، ویرجینیا. (۱۳۸۸). *آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده*. ترجمه بهروز بیرشک. چاپ هفتم. تهران: رشد.
- *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۲۹ق). *الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر*. ج ۱. بیروت: دار لفرکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۸). *مهارت‌های زندگی در سیره رضوی*. مشهد: مؤسسه خدمات مشاوره‌ای.
- شریعتی، سیدصدرالدین؛ صحرایی، فاطمه. (۱۳۹۸). «بررسی نقش والدین در تربیت عاطفی کودک با بهره‌گیری از سیره امام رضا (علیه السلام)». *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*. ۳۸ (۱۰). صص: ۵۹-۸۰.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز؛ سیف، سوسن. (۱۳۸۹). *خانواده‌درمانی از دیدگاه ستیر*. تهران: پازینه.
- شعیری، محمدبن محمدبن حیدر. (بی تا). *جامع الاخبار*. نجف: مطبعة حیدریة.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۷ق). *اعلام الوری باعلام الهدی*. ج ۲. قم: آل البيت.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). *مکارم الاخلاق*. قم: شریف‌رضی.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۱۴ق). *الامالی*. قم: دار الثقافة.
- عطاردی، عزیزالله. (۱۳۶۳). *جوامع الحكم*. دهلی: ایرانین آرط پرنترز.
- _____ (۱۴۰۶ق). *مسند الامام الرضا ابی الحسن علی بن موسی (علیه السلام)*. ج ۲. بیروت: دار الصفوة.
- عمید، حسن. (۱۳۴۳). *فرهنگ فارسی عمید*. چاپ پانزدهم. تهران: امیرکبیر.
- قائمی امیری، علی. (۱۳۹۱). *خانواده در اسلام*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۶). *تفسیر نور*. ج ۷. چاپ چهاردهم. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الاصول من الکافی*. به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. ج ۳ و ۴. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۵). *جهان لغزنده است*. ترجمه علی عطاران. تهران: کتاب پارسه.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (علیهم السلام)*. ج ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۷ و ۹ و ۱۰. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضدروش*. ج اول. چاپ دوم. تهران: جامعه شناسان.
- مرکز راهبردی فناوری‌های همگرا. (۱۳۹۴/۰۶/۱۵). «فناوری‌های اجتماعی: تقویت عملکرد انسانی، وقتی کامپیوتر تنها یک ابزار نیست بلکه یک همراه است». قابلیت دسترسی در آدرس اینترنتی: <https://nbic.ir/paper/3616>
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۸۴). *اثبات الوصیه للامام علی بن ابیطالب*. قم: انصاریان.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). *یادداشت‌های استاد مطهری*. ج ۱۱. تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۸۸). *نقدی بر مارکسیسم*. ج ۱. تهران: صدرا.
- منسوب به جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام). (۱۳۶۰). *مصباح الشریعه*. ترجمه مصطفوی. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- منسوب به علی بن موسی الرضا (علیه السلام). (بی تا). *صحیفه الرضا (علیه السلام)*. مشهد: ندای اسلام.
- مهدی‌زاده، حسین. (۱۳۹۰). «سبک زندگی پیشینه‌ی دانش سبک زندگی». *سوره اندیشه*. ش ۵۰. صص: ۵۷-۵۹.
- مینوچین، سالوادور. (۱۳۸۱). *خانواده و خانواده‌درمانی*. ترجمه باقر ثنائی. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.
- مینوچین، سالوادور؛ فیشمن، اچ. چارلز. (۱۳۹۷). *فنون خانواده‌درمانی*. ترجمه فرشاد بهاری و فرح سیا. چاپ دهم. تهران: رشد.

- مؤسسه خدمات مشاوره‌ای جوانان و پژوهش‌های اجتماعی. (۱۳۹۰). *مجموعه زندگی رضوی: ارتباط با خانواده در کلام رضوی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- موسوی، سید ابوالقاسم؛ جواهری، محمدرضا؛ اکرمی، ایوب. (۱۳۹۷). «روش‌های ایجاد و تعمیق باور به وجود خداوند در تربیت اعتقادی بر اساس سیره امام رضا (علیه السلام)». *دوفصلنامه علمی پژوهشی آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*. ۲ (۳). صص: ۸۹-۱۰۵.
- میرزمانی، اعظم. (۱۳۹۱). «آیا هر طور که بخواهیم می‌توانیم زندگی کنیم؟ تأثیرات سیاست‌گذاری عمومی بر سبک زندگی». *سوره اندیشه*. ش ۶۰ و ۶۱. صص: ۸۷-۹۰.
- نقیب‌زاده، میر عبدالحسین. (۱۳۸۶). *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*. چاپ بیست و یک. تهران: طهوری.
- نوایی‌نژاد، شکوه. (۱۳۸۰). *سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان*. چاپ هفتم. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- نوری طبرسی، حسین. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. ج ۳. قم: موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- واسعی، سیدعلیرضا. (۱۳۹۵). «تعامل با خانواده در سنت رضوی (رویکرد تبارشناسانه)». *فصلنامه فرهنگ رضوی*. ۱۶ (۴). صص: ۲۵۱-۲۷۶.
- هومن، علی حیدر. (۱۳۸۵). *راهنمای عملی پژوهش کیفی*. تهران: سمت.
- یوسفیان، نعمت‌الله. (۱۳۸۹). *تربیت دینی کودکان*. قم: زمزم هدایت.
- Bensely, D Alan, (1997), *Critical Thinking in Psychology*, Pacific grove, California.
- Milgram, R.M., (1990), *Teaching gifted and talented learners in regular Classrooms*. U.S.A.
- Onder Fulya Cenkseven, Yasin Yilmaz (2012), The Role of Life Satisfaction and Parenting Styles in Predicting Delinquent Behaviors among High School Students, *Educational Sciences: Theory & Practice*, 1748-1744 : (3)12.
- Satir, William, (1975), *Conjoint Family Therapy*. Palo Alto.cA: science and Behavior Books.
- Tajfel, H., (1978), *Differentiation Between Social Groups*, London: Academic.
- Tezci, Erdogan; Sezer, Fahri; Aktan, Sumer; Gurgan, Ugur. (2016). Do Lifestyles Shape Self-Regulated Learning Strategies?, *Eurasian Journal of Educational Research*, 258-239 , 65.
- Venera G; Zakirova and Ekaterina L. Nikitinab, (2016), Developing the Pedagogical Culture of Parents by Means of Social Partnership with a Supplementary Education Institution, *International Journal of Environmental and Science Education*, v11, n,8 2111-2099.
- Weiju Zhao1; Zhiping Zhang and Juan Liu (2017), The "Family" Section in Current Elementary Social Studies Textbooks in China, *Journal of Education and Training Studies*, Vol. 5, No. 10, URL: <http://jets.redfame.com>.